

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

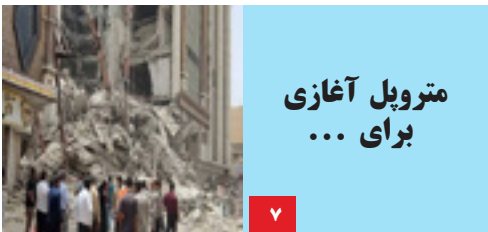
شماره ۸۲۴ یکشنبه ۱۵ خردادماه ۱۴۰۱، ۵۰ ژوئن ۲۰۲۲

www.kurdistanmedia.com



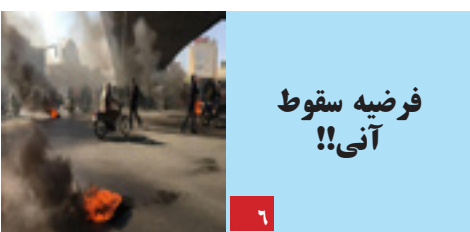
مصطفی هجری طی پیامی ویدیویی حمایت حزب دموکرات را از مردم احواز اعلام کردند

روز چهارشنبه ۱۱ فرورداد ۱۴۰۱، "مصطفی هجری"، مسئول اجرایی حزب دموکرات کوردستان ایران در یک پیام ویدیویی فطاب به مردم امواز اعلام کردند که "حزب دموکرات کوردستان ایران از مطالبات حق طلبانه شما حمایت و پشتیبانتان خواهد بود".



متروپل آغازی
برای ...

۷



فرضیه سقوط
آنی!!

۶



زن قربانی
محرومیت

۵



آیا جاده صلح
منطقه...

۴

جانهای بی بها



سخن

آینده‌ای فاقد
گذشته

کریم پرویزی

بیش از هر سال و ماهی، فروپاشی از رگ گردن به سیستم کولونیالیستی حکام در تهران نزدیکتر شده و خامنه‌ای در سالمرگ جلاّد خونخوار تاریخ، خلاف رویه گذشته‌اش که همیشه دم از تهدید می‌زد، این بار اعتراضات مردم را هدف قرار داد و معترضان را مزدور و عامل خارجی وصف و عملاً ترس خود را از فروپاشی رژیمش اعلام کرد. خامنه‌ای که لکنت زبان گرفته بود گفت، رژیمش ساقط می‌شود و همچنان که در فرانسه و پس از انقلاب، خاندان پیشین حاکمیت را در دست گرفت، در ایران نیز همچنان این نگرانی وجود دارد! از تیر ماه سال ۷۸ که خامنه‌ای در برابر مبارزات دانشجویان به لرزه افتاد و گریست، به مزدورانش گفت حتی اگر تصاویرش را نیز به آتش کشیدند، هیچ اقدامی نکنید، تاکنون این دومین بار است که در مقابل اعتراضات مردمی به لرزه افتاده است. با این تفاوت که این بار مشکل بتواند رژیمش را نجات دهد، چراکه ریاکارانی همچون اصلاح طلبان دیگر وجود ندارند تا کمکش کنند بلکه رژیمش را از فروپاشی بربهند!

در فضای سیاسی موجود میان مخالفان رژیم تهران، مباحث بسیاری مطرح می‌شوند که چکار بکنند تا بتوانند اعتراضات مردمی را بیشتر سازماندهی کنند و مبارزات همه مردم ایران همگام و همسو شوند. دوباره این سوال دیرینه مطرح می‌شود که چگونه و چه کسی آلترناتیو رژیم جمهوری اسلامی است؟ روشن است که گفتمانی می‌تواند آلترناتیو باشد که قادر به جذب اکثریت مردم ایران باشد و در حال حاضر جامعه متنوع جغرافیای ایران محتاج به یک پلاتفورمی است که هم تفاوت‌های طبقاتی و مطالباتشان را ببیند و هم چند ملیتی بودن جامعه ایران و هم

خمینی در نهایت بی‌شرمی راجب به اعتراضات اخیرو پیشین عبادان که به دلیل گرانی انجام داده بودند را وابسته "دشمنان" معرفی کرد و گفت دشمنان معتقد که می‌توانند "ملت ایران" را در برابر "نظام اسلامی" قرار بدهند؛ این اشتباه از آنجا شروع شد که مشاورانش گروهی ایرانی "خائن" هستند که به کشورشان خیانت می‌کنند اما در نهایت این مشاوران به معترضان نیز خیانت خواهند کرد! این همان نسخه اسلامی است که خامنه‌ای همچون "نماینده خدا بر روی زمین" به جای دستور دادن برای پیدا کردن خطاکاران و محکومیتشان و تلاش برای جبران خسارات وارده به قربانیان برای مردم تجویز می‌کند. برای همین است که می‌گویند: در ایران هیچی به اندازه جان مردم بی‌ارزش نیست!

نکرد دیداری با خانواده قربانیان و مردم حتی تحدت تدابیر شدید امنیتی نیز انجام دهد! آنچه که روشن است و در گذشته نیز برای آزادی‌خواهان ایران به طور کل و قربانیان دست رژیم آخوندی به ویژه اثبات شده که این واقعیت غیر قابل انکار است که آنچه در ایران برای رژیم معنا و ارزشی نداشته و ندارد و نخواهد داشت، جان و زندگی مردم است نه چیز دیگری؛ آنها آمده هستند در برابر حفظ قدرت و حاکمیت خود نه فقط مردم بلکه همه جاندار و بی‌جانان این سرزمین را نیز قربانی کنند؛ چراکه این طور می‌پندارند که آنها نماینده خدا در زمین هستند و طبق باور مذهبی که دارند می‌توانند به مردم ظلم بگویند و آنها را مورد آزمایش قرار دهند و هر کسی نیز که صدای "نه" را فریاد زد، دستگیر کرده و مورد شکنجه قرار دهند و نهایتاً از بین ببرند؛ همین است که علی خامنه‌ای درسالمرگ

روستاهای اقلیم احواز به خیابان‌ها آمدند و با سردان شعارهای علیه رهبر رژیم و سران آن، خواستار برخورد با عاملان این حادثه شدند. طی مدتی کوتاه هزاران معترض به خیابان‌ها آمده و در حالی که از مردم بلازده حمایت می‌کردند، توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران سرکوب می‌شدند، دوباره اثبات کردند که جمهوری اسلامی هیچ جایگاه و مشروعیتی نزد مردم ندارد.

این واقعیت زمانی خود را عیان کردند که مسئولان رژیم خواستند این حادثه را به عنوان فرصتی به نفع خود برگردانند و وقتی عزای عمومی اعلام شد، شرکت کنندگان مراسم شعارهای علیه سران رژیم سردادند که با سرکوب شدید از سوی نیروهای سرکوبگر رژیم مواجه شدند؛ همین موضع مردم بود که سران رژیم و در راس آن ابراهیم رئیسی را وادار کرد تا از محل حادثه دیدار کند و خیلی زود محل حادثه را ترک کرد و جرات

مسئول حکومت انجام گرفته است و در مقابل نیز رشوه زیادی از مالک ساختمان دریافت کردند؛ که این طور مسئولان مربوطه به دلیل داشتن رابطه خیشاوندی که داشتند و همچنین به این دلیل که عبدالباقی از نزدیکان سران رژیم در این استان بوده، قوانین و اصول ساختمان سازی را برای او نادیده گرفتند.

بعد از حادثه و طی مدتی کوتاه از سوی نهادهای حکومتی اعلام شد که مالک ساختمان در داخل برج حضور داشته و به همین دلیل مرده است برای قبولاندن مرگ مالک ساختمان به مردم برخی از نزدیکان وی را به سردخانه‌ای در شهر عبادان برده و جسدی را نشان دادند که گویا مالک ساختمان است جسدی که مشخص نیست کدام یک از قربانیان شوربخت است، این طور وانمود می‌کردند که عزیزشان را از دست دادند.

بعد از مدتی از این فاجعه مردم عبادان و بعدها دیگر شهر و

دو هفته پیش در مورخ ۲ خرداد ۱۴۰۱ خورشیدی، ساختمان متروپل عبادان فرو ریخت؛ این در تاریخ ۱۴ خرداد جسد بدون جان دو تا از قربانیان این حادثه پیدا شد. تاکنون که همچنان عملیات آوار برداری این ساختمان ادامه دارد. طبق آمار رسمی حکومتی ۳۸ نفر طی این حادثه جان خود را از دست دادند اما از آمارهای غیررسمی پیدا است که در حین کار کردن در متروپل آماری بیشتر از آنچه رژیم بیان می‌کند در آن ساختمان مشغول کار کردن بودند که به دلیل گرمای طاقت فرسا به طبقه دوم پناه برده که تاکنون پیدا نشدند.

بعد از ریزش ساختمان متروپل برخی از مسئولان مربوطه معترف شدند که در جریان درست کردن این برج بده بستن‌های زیادی برای کاهش هزینه‌های ساختمان و رعایت نکردن اصول ساخت و ساز ساختمان سازی توسط مالک ساختمان و شهردار و برخی از

سپاه تروریستی قدس در صدد ترور اعضای رهبری حزب دمکرات کردستان ایران است



رسانه‌های فارسی‌زبان از نقشه ترور اعضای رهبری حزب دمکرات کردستان ایران توسط واحد ۸۴۰ سپاه قدس پرده برداشتند.

براساس این گزارش‌ها، واحد ۸۴۰ سپاه قدس با همکاری چند تن از جاش‌های اهل ارومیه از جمله "منصور رسولی" و "لقمان رسولی" در صدد اجرایی کردن طرح ترور مصطفی هجری، مسئول اجرایی حزب دمکرات و رستم جهانگیری، مسئول دستگاه بازرسی و نظارت حزب دمکرات بودند.

اردیبهشت‌ماه سال جاری، رسانه‌های اسرائیل از بازجویی منصور رسولی، مأمور سپاه اهل روستای "هاشم آباد" از توابع مرگور ارومیه در داخل خاک ایران خبر دادند.

منابع کوردستان میدیا در ارومیه اعلام کردند که بازجویی از منصور رسولی چهار ماه پیش از رسانه‌ای کردن خبر وی در ارومیه انجام گرفته بود و همچنان او در یک خانه امن تحت نظر وزارت اطلاعات است.

واحد ۸۴۰ — واحد عملیات تروریستی سپاه قدس که به صورت مخفیانه تأسیس شده است، وظیفه این واحد برنامه‌ریزی و اجرای حملات تروریستی در خارج از ایران علیه اهداف کشورهای غربی و احزاب اپوزیسیون رژیم ایران می‌باشد.

بخش‌های عملیاتی این واحد تروریستی به سه بخش خاورمیانه و آفریقا، قفقاز و آسیا و نیز اروپا و آمریکا تقسیم شده و در سال‌های اخیر بسیاری از فعالیت‌های این واحد تروریستی کشف و خنثی شده است.

دوره مقدماتی ۲۵۶ پیشمرگه کوردستان با موفقیت به اتمام رسید



روز پنجشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، دوره مقدماتی ۲۵۶ پیشمرگه کوردستان با حضور اعضای رهبری، کادر و پیشمرگه و مسئولان سیاسی و نظامی حزب دمکرات در کوه‌های سربه فلک کشیده کوردستان برگزار گردید. مراسم با سرود ملی "ای رقیب" و ادای احترام به شهیدان راه آزادی کورد و کوردستان آغاز شد. در ادامه مراسم، شرکت کنندگان دوره با انجام مانور نظامی آمادگی جسمانی و نظامی خود را به نمایش گذاشتند.

"ادیس هورمزی" فرمانده نیروی ۱۲۹ نیروی پیشمرگه کوردستان سخنان خود را در همین رابطه بیان نمود. در بخش دیگر مراسم گزارش چگونگی آموزش دوره توسط "خلیل میلانی" آموزشیار دوره قرائت شد.

همچنین در این مراسم سرودی از سوی شرکت کنندگان دوره تقدیم حضار شد. سپس پیام دوره ۲۵۶ مقدماتی توسط "رویا محی‌الدین زاده" قرائت شد.

در این مراسم به نفرت اول تا سوم در بخش سیاسی و نظامی از سوی "کاوه عبدالی" مسئول تشکیلات حزب دمکرات در خارج از کشور جوایز اهدا شد.

همچنین سه نفر برتر در نظم و دیسپلین نیز توسط "غالب حبیبی" مسئول بخش آموزشی دستگاه فرماندهی مورد تقدیر قرار گرفتند.

مراسم با اجرای قطعه‌ای موسیقی از سوی "رسول عبدالله نژاد" شرکت کننده دوره، پایان یافت.

رژیم ایران نهادی را برای جاسوسی و تحریف تاریخ ملت کورد تأسیس کرد



بر اساس اخبار منتشره از رسانه‌های وابسته به رژیم ایران، رسماً "گروه مطالعات تحولات کوردها که زیر مجموعه انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا" است، شروع به کار کرد.

بر اساس اخبار خود رژیم، "حسن دانایی‌فر" سفیر سابق رژیم در عراق و از فرماندهان سپاه تروریست قدس، و شماری دیگر از عناصر رژیم ایران در این گروه که با هدف تحریف، جاسوسی و تفرقه میان کوردها تأسیس شده است، حضور دارند.

تأسیس این چنین گروه‌های در ایران نشان از تقلای رژیم برای نفوذ به همه بخش‌های کوردستان و همچون گذشته ایجاد نفاق، تحریف و جاسوسی خواهد بود.

پیشتر نیز رژیم ایران از طریق نهادهای و عده‌ای قلم فروش در صدد تحریف مبارزات بر حق ملت کورد و تاریخ این ملت بر آمده بود تا بلکه بتوانند کوردها را به عنوان بخشی از اصطلاح مجعول "ایران فرهنگی!" بشناساند.

شهری ۳۴۰۰ ساله در بستر رودخانه دجله در کوردستان پدیدار شد



تیمی از باستان‌شناسان آلمانی و کورد، شهری ۳۴۰۰ ساله متعلق به دوران "امپراتوری میتانی" را که زمانی در بستر رودخانه دجله قرار داشت، کشف کرده‌اند.

این شهر در اوایل سال جاری، به دلیل خشکسالی شدید اخیر در عراق که موجب کاهش فزاینده سطح آب رودخانه دجله در این منطقه شده، در "کمونته" کوردستان عراق پدیدار شد.

به گزارش دانشگاه "توبینگن آلمان"، این شهر وسیع با یک کاخ و چندین ساختمان بزرگ گمان می‌رود که شهر باستانی "زخیکو" باشد که براساس گمانه‌ها مرکز مهمی در تمدن امپراتوری میتانی (حدود ۱۵۵۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد مسیح) بوده است.

تاریخ پژوهان بر این باورند که "میتانی‌ها" گروهی از "مادها" بوده که در کوردستان زندگی و از اجداد "کوردها" هستند.

ارتش اردن: وابستگان رژیم ایران جنگی را علیه ما به راه انداخته‌اند



روز دوشنبه ۲ خرداد ۱۴۰۱، "مصطفی الحباری"، سخنگوی نیروهای مسلح اردن، در مصاحبه‌ای با تلویزیون دولتی این کشور گفت: "ما در مرزهایمان با جنگ روبه‌رو شده‌ایم؛ جنگ مواد مخدر که رهبری آن را سازمان‌های مورد حمایت طرف‌های خارجی در دست دارند. این شبه‌نظامیان وابسته بر رژیم ایران خطرناک‌ترین هستند. زیرا امنیت ملی اردن را هدف قرار داده‌اند".

اظهارات سخنگوی نیروهای مسلح اردن یک روز پس از آن بیان می‌شد که اردن اعلام کرد در تازه‌ترین درگیری نیروهایش با قاچاقچیان مواد مخدر، چهار تن از قاچاقچیان در مرز این کشور با سوریه کشته شدند. پس از آن نیز دیدبان حقوق بشر سوریه خبر داد یکی از کشته‌شدگان که سردهسته این گروه بود در ارتباط با حزب‌الله لبنان بوده است.

طی پنج ماه اخیر درگیری نیروهای اردن با قاچاقچیان موارد مخدر در نقاط مرزی این کشور با سوریه دست‌کم ۴۰ کشته و صدها زخمی برجای گذاشته که اغلب آن‌ها اجیرشدگان توسط گروه‌های وابسته به رژیم ایران بودند.

اسرائیل: پاسدار کشته شده در تهران جانشین فرمانده یگان ۸۴۰ سپاه تروریست قدس بود



به گزارش رسانه‌های وابسته به رژیم ایران، عصر یکشنبه ۱ خرداد ۱۴۰۱، در کوچه "خزل" خیابان "مجاهدین اسلام" تهران، "حسن صیاد خدایی"، سرهنگ سپاه تروریست پاسداران به ضرب گلوله کشته شد. ساعتی پس از انتشار این خبر، رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند که "حسن صیاد خدایی"، جانشین فرمانده یگان ۸۴۰ سپاه تروریست قدس بود که وظیفه‌اش طراحی حملات علیه شهروندان و منافع اسرائیل بود. همزمان رسانه‌های وابسته به رژیم ایران، به نقل از سپاه تروریست پاسداران گزارش دادند که "این اقدام توسط ضد انقلاب و عوامل وابسته به استکبار جهانی انجام گرفته است".

همچنین رادیو اسرائیل اعلام کرد: سرهنگ پاسدار کشته شده در تهران برای انجام عملیات‌های تروریستی در قبرس و یونان علیه منافع و شهروندان اسرائیل برنامه‌ریزی کرده بود.

به نوشته رسانه‌های اسرائیلی، این عضو ارشد نیروی قدس سپاه تروریست پاسداران در طراحی حملات علیه شهروندان و منافع اسرائیلی در کشورهای مختلف از جمله قبرس، ترکیه، کلمبیا و همچنین آفریقا نقش داشت و به همین دلیل از ماه‌ها پیش هدف بوده است.

مسرور بارزانی: رژیم ایران مانع ایجاد ثبات در عراق است



روز سه‌شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۱، "مسرور بارزانی"، نخست وزیر اقلیم کوردستان عراق، طی نشستی در مجمع جهانی اقتصاد "داووس" گفت: "هدف از حملات رژیم ایران به عراق فشار بر ائتلاف سه‌گانه برای جلوگیری از تشکیل دولت و همچنین دادن این پیام است که دخالت‌ها در امور داخلی عراق ادامه خواهد داشت". "بارزانی" اظهار داشت که حملات رژیم ایران و گروه‌های وابسته به آن با هدف فشار بر ائتلاف سه‌گانه بین فراکسیون "صدر"، "حزب دموکرات کوردستان" و "ائتلاف السیاده" انجام می‌شود تا این ائتلاف عقب نشینی کند و پیامی نیز دارد مبنی بر این که دخالت در امور داخلی عراق متأسفانه ادامه خواهد داشت".

نخست وزیر اقلیم کوردستان با اشاره به نتایج انتخابات اخیر پارلمانی عراق گفت: شهروندان نظر خود را درباره عراقی که می‌خواهند در آن زندگی کنند، گفتند. در این انتخابات برنده و بازنده وجود داشت اما برندگان نتوانستند به دلیل شرط حد نصاب، دولت تشکیل دهند.

سپاه پاسداران ۲۲ اسفند ۱۴۰۰، پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی عراق و تشکیل ائتلاف طرف‌های برنده در یک حمله بی‌سابقه با ۱۲ موشک بالستیک، مناطق اطراف ساختمان کنسولگری آمریکا در "هولیر" را هدف قرار داد و رسماً نیز مسئولیت آن را برعهده گرفت.

سنای آمریکا احیای برجام را مشروط به محدود کردن روابط مالی و امنیتی رژیم ایران با چین می‌کند

روز سه‌شنبه ۱۰ خرداد، گروهی از اعضای جمهوری‌خواه سنای آمریکا طرحی ارائه کردند که هرگونه توافق هسته‌ای با رژیم ایران را علاوه بر لزوم تایید دو سوم سنا، به محدود شدن روابط مالی و امنیتی ایران با چین و پایان حمایت تهران از تروریسم و گروه‌های نیابتی مشروط می‌کند.

"مارشا بلک برن"، سناتور جمهوری‌خواه از ایالت تنسی، این طرح را تهیه کرده و دیگر سناتورهای جمهوری‌خواه، از جمله "ریک اسکات"، "بیل کسیدی"، "مارکو روبریو"، "تام تیلیس" و "تد کروز" و در ارائه آن شرکت دارند.

بر اساس این طرح، هر نوع توافق هسته‌ای با رژیم ایران باید به تصویب دوسوم اعضای سنا برسد. در این طرح آمده، صرف کردن هرگونه بودجه‌ای برای احیای برجام مشروط به لغو همه توافقاتی است که رژیم این به موجب آن‌ها از چین پول دریافت می‌کند و تهران به شراکت استراتژیک، امنیتی و نظامی خود با پکن پایان دهد.

همچنین طبق این طرح، دولت آمریکا در صورتی می‌تواند برای احیای برجام بودجه هزینه کند که رژیم ایران روابط و حمایت مالی را با نیروهای وابسته به خود، از جمله حماس، پایان دهد و نابودی تمام سلاح‌های هسته‌ای، موشکی، سایبری و شیمیایی خود و زیرساخت‌های تولید آن‌ها را به راستی‌آزمایی برساند.

نیروهای یگان ویژه احواز معترضان را سرکوب می‌کند



در ادامه اعتراضات مردم شهرهای مختلف استان "احواز" و دیگر نقاط ایران، نیروهای سرکوبگر یگان ویژه رژیم ایران با حمله به معترضان به سوی آنان گاز اشک‌آور شلیک کردند.

بر اساس ویدیوهایی که از این تظاهرات منتشر شده، مردم شهرهای "بوشهر، ماهشهر، شاهین‌شهر، اهواز، امیدیه و آبادان" به خیابان‌ها آمدند که با حمله نیروهای یگان ویژه و گاز اشک‌آور مواجه شدند.

مردم معترض شعارهایی چون "دشمن ما همین‌جاست، دروغ می‌گن آمریکا" و "این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت" سر دادند.

"عزا، عزاست امروز، روز عزاست امروز، آبادان بی‌صاحب، صاحب‌عزاست امروز، "ته غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" و "سوریه رو رها کن، فکری به حال ما کن" از دیگر شعارهایی بود که سر داده شد.

اعتراضات سراسری اخیر که با اعتراض به فرو ریختن ساختمان "متروپل" آبادان شروع شده، به اعتراضات ضد حکومتی تبدیل شده که رژیم نیز با خشونت کامل درصدد سرکوب آن‌ها است.

نرخ دلار به ۳۱ هزار و ۸۵۰ تومان رسید

روز پنجشنبه ۱۲ خرداد، در ادامه‌ی روند افزایش قیمت ارزهای خارجی در بازارهای آزاد ایران، نرخ هر دلار آمریکایی به ۳۱ هزار و ۸۵۰ تومان رسید.

بر اساس گزارش وب سایت‌هایی که بهای ارزهای خارجی را در ایران اعلام می‌کنند، "یورو" نیز روز پنجشنبه با افزایش قیمت همراه بوده و به ۳۳ هزار و ۹۳۰ هزار تومان رسیده است.

در مجموع نرخ دلار از نیمه پارسال که دولت ابراهیم رئیسی کار خود را آغاز کرد، حدود ۲۵ درصد افزایش قیمت داشته است که بخش اعظم این افزایش مربوط به بهار سال جاری است، به طوری که دلار ۲۶ هزار تومانی، با بیش از ۵ هزار تومان افزایش، اکنون به بیش از ۳۱ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است.

از زمان توقیف مذاکرات احیای برجام، توسط رژیم ایران و قدرت‌های جهانی و کاهش امیدها به رفع تحریم‌های آمریکا، شتاب کاهش ارزش پول ایران و رشد نرخ ارزهای خارجی بیشتر شده است.

ادامه سخن

گذار از وضعیت حاکمیت دینی و ایدئولوژیک را مدنظر داشته باشد.

اما در این میان برخی نیز هستند که میگویند در این هنگامه که شاهد مشکلات و رنج مردم ایران هستیم، در مورد گذشته حرفی به میان نیاید و فقط نگاهمان به آینده باشد!

این شعار که فقط نگاه به آینده داشته باشیم، چشمگیر و جذاب نمایان میشود، اما اگر فقط به آینده بنگریم، این سوال مطرح می‌شود که آینده کدام است؟

چگونه خواهد بود؟ آیا این کافی است که فقط به آینده‌ای که خامنه‌ای در آن نیست، فکر بکنیم و دیگر مسائل را پشت سر بگذاریم؟ از همه این مسائل مهمتر، این سوال است که ما ایرانی‌ها در کجا اشتباه کردیم که به این روز افتادیم؟ گذشته‌ای که داشتیم چگونه آن را بنیان نهاده بودیم که نتیجه‌اش خمینی و خامنه‌ای جلا شد و تاکنون نیز از دست شکنجه و ظلم این درنده‌ها در رنج و غذاییم ؟

شاید برای گنجاندن در میان سطور شعری ویا برای دوره درمانی مشکلی روانی ، این مسئله که فقط نگاه به آینده داشته باشیم، مفید باشد، اما در جریان زندگانی ملتها و جوامع متنوع ملیتی و فرهنگی همچون ایران که برای سرنگونی رژیم شاه انقلاب کردند در حالی که فقط به آینده بدون شاه می‌نگریستند و ندانستند که چرا خمینی بر ابریکه قدرت نشست، این شعار خیلی گمراه کننده و ترس تکرار کشتارگاهی دیگر را زنده کند.

هر کس و هر ملت و هر جامعه‌ای دارای تنوعات ملیتی همچون ایران، اگر تنها نگاه به آینده داشته باشد، مطمئناً گذشته‌اش در آینده تکرار خواهد شد!

آیا جاده صلح منطقه از اردن می‌گذرد؟

منبع: بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها
مترجم: آرمان حسینی



اسلامی از فهرست تروریسم ایالات متحده متوقف شده است. بایدن امتناع کرده است و این برای اسرائیلی‌ها و سعودی‌ها تسکینی است. اما کاخ سفید هنوز از توافق دست نکشیده است. در صورت دستیابی به توافق، اسرائیلی‌ها و سعودی‌ها هر دو نگران هستند که کاهش تحریم‌ها صدها میلیارد دلار برای رژیم تهران به همراه داشته باشد. این ثروت باد آورده به ایران کمک می‌کند تا حداقل اردن را بی‌ثبات کند.

این پیامی است که ریاض و اورشلیم اکنون می‌توانند به واشنگتن

عنوان متحد نشان می‌دهد. در سال‌های اخیر، اسرائیلی‌ها، عربستان را با ایرانی‌ها در سوریه، در فضای مجازی، در دریاهای آزاد و فراتر از آن تنها گذاشته‌اند. این یک کارزار نامتقارن است که اسرائیلی‌ها آن را "جنگ بین جنگ‌ها" می‌نامند. این دو چیز را به کشورهای عربی ثابت کرده است: اول، اسرائیل از نبرد با دشمن فانی ریاض هراسی ندارد. ثانياً رژیم ایران آنقدر که خیلی‌ها معتقد بودند، قوی نیست.

اکنون همه نگاه‌ها به سوریه است، جایی که اسرائیل حملات خود را به

اردن مشکلی به نام ایران دارد. عربستان سعودی و اسرائیل می‌توانند در مبارزه با ایران با اردن متحد شوند؟

ملک عبدالله دوم پادشاه اردن اخیراً در گفت و گو با مک مستر، مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده، ابراز نگرانی کرد که نیروهای وابسته به رژیم ایران در سوریه به زودی می‌توانند کشورش را بی‌ثبات کنند. روسیه ممکن است به زودی دارایی‌ها و نیروهایش را از سوریه خارج و برای جنگ با اوکراین در این کشور مجدداً مستقر کند و ایران به دنبال پر کردن این خلاء است.

پادشاه اردن تأکید کرد: "خلاء روس‌ها را ایرانی‌ها و گروه‌های وابسته‌اش پر خواهند کرد. متأسفانه، ما در حال بررسی تشدید مشکلات در مرزهای خود هستیم."

اما چالش‌ها می‌توانند فرصتهایی را نیز ایجاد کنند. در این مورد، مشکلات امنیتی اردن می‌تواند به تحکیم اتحاد در حال ظهور بین اسرائیل و پادشاهی عربستان سعودی کمک کند. این دو شریک مخالف، هر دو ایران را به عنوان دشمنی جانی می‌بینند که خاورمیانه را تهدید می‌کند. هر دو با اردن مرز مشترک دارند. و هر دوی آن‌ها ثبات اردن را برای امنیت ملی خود حیاتی می‌دانند.

عربستان سعودی در حال بررسی حرکتی در این راستا است، به ویژه پس از امضای توافقنامه ابراهیم در سپتامبر ۲۰۲۰. زمانی که همسایگان عربستان، از جمله امارات متحده عربی و بحرین روابط خود را با اسرائیل عادی کردند، عربستان سعودی نیز در فهرست بعدی قرار گرفت. با این حال، رهبران ریاض محتاطانه و آگاهانه‌تر از شرکای خود در خلیج حرکت می‌کنند.

توافق عربستان و اسرائیل در دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ به طور گسترده ای انتظار می‌رفت، اما آن اتفاق نیفتاد.

با روی کار آمدن دولت بایدن، جو روابط به طور قابل توجهی تغییر کرد. برای ماه‌ها، کاخ سفید نسبت به دستاوردهای عادی‌سازی دولت ترامپ خودداری کرد (سخن‌گویی وزارت خارجه کلمات "توافقی‌های ابراهیم" را به زبان نمی‌آورد). قراردادهای جدید به وضوح در اولویت نبودند.

با توجه به گزارش‌هایی مبنی بر کمک دولت بایدن به میانجی‌گری برای انتقال دو جزیره مصری در دریای سرخ (تیران و صنایع) به عربستان سعودی، ممکن است این وضعیت در حال تغییر باشد. این معامله بر

اساس توافقنامه صلح میان مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ حق خرید آن‌ها به اسرائیل داده شده بود. این معامله می‌تواند اولین گام به سمت عادی سازی باشد.

این همه تغییرات برای عربستان سعودی خوشایند است. در جریان مبارزات انتخاباتی، جو بایدن نه تنها امکان میانجی‌گری برای یک توافق عادی سازی را نادیده گرفت، بلکه آشکاراً متعهد شد که سعودی‌ها را در واشنگتن تحریم کند. پس از ادای سوگند، بایدن با انتشار اطلاعاتی درباره قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار مقیم ایالات متحده، خوشحالی تعداد معدودی از قانون‌گذاران ضد سعودی را به دست آورد.

بفرستند. آن‌ها همچنین می‌توانند به دولت بایدن یک طرح جایگزین ارائه دهند. می‌توانند به کاخ سفید فرصتی برای میانجی‌گری یک پیمان دفاعی جدید ارائه دهند و از مشارکت خود در CENTCOM استفاده کنند. اسرائیل آخبر این منطقه استراتژیک اضافه شده است و این به سعودی‌ها و اسرائیلی‌ها فرصت‌هایی برای همکاری با یکدیگر داده است.

عربستان سعودی و اسرائیل نیز می‌توانند یک قدم جلوتر بروند. با تکیه بر مذاکرات دریای سرخ، آن‌ها اکنون می‌توانند وارد مهمترین توافق عادی سازی شوند. با توجه به نقش برجسته عربستان سعودی در جهان عرب،

منافع ایران افزایش داده است. انتظار می‌رود در صورت اعزام مجدد نیروها و دارایی‌های روسیه به اوکراین، این سرعت افزایش یابد. آزادی عملیات می‌تواند فرصت‌های جدیدی را به همراه داشته باشد، اگرچه رژیم ایران به دنبال گسترش عملیات در سرزمین‌های جنگ‌زده است.

همانطور که پادشاه اردن خاطرنشان کرد، بخشی از تلاش‌های توسعه رژیم ایران شامل بی‌ثبات کردن اردن از شمال است. جایی که قاچاقچیان مواد مخدر در حال حاضر آنجا را ویران می‌کنند. اردن همچنین با تهدیدی از سوی جنوب مواجه است و بنابر گزارش‌ها، عوامل ایران در دریای سرخ فعالیت‌ها دارند. همه اینها تهدیدی مستقیم برای عربستان سعودی و اسرائیل به

برای کاخ سفیدی که هنوز به دنبال متمایز کردن خود از دولت قبلی است، این لحظه‌ای است که آن‌ها منتظر آن بودند و با توجه به نقش رهبری عربستان سعودی در جهان عرب و اسلام، تصور یک دومینو دشوار نیست، زیرا کشورهای دیگر نیز به دنبال پیروی از آن هستند.

چنین توافقی به عنوان یک دستاورد دیپلماتیک بی‌نظیر در منطقه تلقی می‌شود.

برای کاخ سفیدی که هنوز به دنبال متمایز کردن خود از دولت قبلی است، این لحظه‌ای است که آن‌ها منتظر آن بودند و با توجه به نقش رهبری عربستان سعودی در جهان عرب و اسلام، تصور یک دومینو دشوار نیست، زیرا کشورهای دیگر نیز به دنبال پیروی از آن هستند.

آیا جاده صلح منطقه ای از اردن می‌گذرد؟ زمان آن فرا رسیده است که بایدن، رئیس‌جمهور این موضوع را دریابد.

حساب می‌آیند. هر دو، پادشاهی هاشمی را یک دارایی ارزشمند می‌دانند. ثبات در مرزهای خود چیزی است که هر دو کشور با هزینه زیادی از آن محافظت خواهند کرد.

کاخ سفید این فرصت را دارد که دو طرف را در مسیر درست سوق دهد. پس از سفر اخیر شاه عبدالله به واشنگتن، دولت بایدن تعهد خود را نسبت به امنیت اردن تجدید کرده است. کمک گرفتن از ریاض و اورشلیم به صورت جداگانه و با هم، گام منطقی بعدی است.

مسلم‌ها هم عربستان سعودی و هم اسرائیل نسبت به قصد اعلام شده بایدن برای ورود مجدد به توافق هسته ای برجام با رژیم ایران محتاط هستند. مذاکرات در وین بر سر درخواست رژیم مبنی بر حذف سپاه پاسداران انقلاب

پس از آن، کاخ سفید از جنگ عربستان در یمن حمایت کرد و گروه تروریستی حوثی را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی، وزارت خارجه خارج کرد، حتی در شرایطی که حوثی‌ها به زیرساخت‌های غیرنظامی و نفتی عربستان شلیک کردند.

به نظر می‌رسد که اوضاع قبل از جنگ در اوکراین به پایین‌ترین حد خود رسیده است. با این حال، بحران انرژی حاصل از این جنگ، دولت بایدن را بر آن داشت تا روابط خود را با دولتی که دارای بزرگترین ذخایر اثبات شده نفت در جهان است را احیا کند. به گفته مقامات سعودی، این روابط در حال بازگشت به مسیر اصلی خود است.

در همین حال، اسرائیل همچنان ارزش خود را به عربستان سعودی به

زن قربانی محرومیت

نیشتمان ارمیه

محروم کردن زن از خویشتن خویش قدمتی ۵ هزار ساله دارد. در دورانی که اولین انقلاب بشر به وقوع پیوست، انقلابی که زن نقش چشمگیری در رویداد آن داشت، اما با پیشرفت ابزار و تکنولوژی مدرن زمان نامبرده به تدریج نقش زن در جامعه بشری کم رنگ و کمرنگ‌تر گردید و تا به امروز که بشر در اوج قله‌ی پیشرفت و مدنیت تکیه زده و چندین انقلاب را در مسیر تحول بشریت پشت سر گذاشته، اما هیچ کدام باعث شکستن حلقه محرومیت زن نگردیده، زیرا هیچکدام دارای ریشه‌ی محرومیت زدایی زن نبوده، و هر انقلابی در هر عصری به روش‌های مورد پسند خویش زن را مورد بهره‌کشی قرار داده و به نوعی متناسب با زمان، برده‌ی مدرن بوده است.

می‌توان گفت سیاست ایزولاسیون و محرومیت زن از حضور موثر در اجتماع در هر سیستم سیاسی، در هر ایدئولوژی متفاوت است. اگرچه ریشه‌ی آن در جهان اول تا سوم ... دارای تشابه است و تمایز چندانی در اصل ریشه‌ای آن وجود ندارد. بنابراین کشور ایران و به خصوص جامعه کردی دارای گرایشات و قوانین سفت و سخت مختص به خویش است. مکانی که این پرنسپ و اصول در آن حکم خدایی دارند در جهان سوم و فراتر از آن واقع شده، جهانی که زن هیچ اختیاری بر بدن خویش ندارد تا به مثابه آن نیم نگاه موثری بر جامعه داشته باشد، بی‌گمان شیوه محرومیت در این جامعه دارای تفاوت اساسی با سایر جوامع حتی در کشورهای همجوار است. به عبارتی محروم ساختن به مقوله‌های خرد تجزیه شده، و اگر زن فراتر از این دایره گام بردارد مورد مؤاخذه شدید و گاهی خشونت و حتی مرگ روبرو می‌شود.

می‌توان گفت؛ تاثیر محیط و جغرافیا، تاثیر افکار سنتی (مذهب، آداب و رسوم و...)، تاثیر پیرامون بودن جغرافیا که نقش سپر در ذیل گام‌های مرکز را عهده‌دار است (جهت ایمنی بیشتر). تاثیرات منفی راهبردی بر تنگتر کردن حلقه‌ی محرومیت دارد، از این روی مواردی که جزو حقوق اولیه زن محسوب می‌شوند به مثابه انقلابی پر هزینه از وزن سنگینی برخوردار است، و بیرون آمدن از زیر آن خود، پیروزی انقلاب خویش است، برای مثال رانندگی کردن برای زن در زمان‌های نه چندان دور در این جغرافیا کار چندان آسانی نبود. تمام سده‌های منشعب از اصل محرومیت دخل و تصرف داشتند تا مانع این حق شوند. تحصیلات دختران تا به امروز هم محدودیت‌های خاص خود را دارد، برای مثال مقاطع خاصی برای دختران از جانب خانواده‌ها ایجاد شده است، برخی خانواده‌ها حد نصاب تحصیلی دختران را در همان دوره‌ی ابتدایی تعیین می‌کنند؛ زیرا مطابق برد دورانیشی خویش گام مهمی در جهت باسوادی دختر برداشته‌اند و از این به بعد سن تکلیف و ازدواج شروع شده و دختران برای زندگی مشترک آماده می‌شوند. اما بعضی خانواده‌ها مقاطع متوسطه و دبیرستان را به عنوان سن تحصیلی در نظر گرفته، زیرا از نظر آن‌ها در این سن دختر به اندازه کافی به رشد و بلوغ رسیده که برای قرار گرفتن در وضعیت تاهل آماده گردد و اگر ادامه تحصیلی تدبیر گردد نیاز به اجازه همسر دارد. لذا دختران در مقاطع گوناگون حتی اگر در حال دانش‌اندوزی هم باشند با موانعی روبرو هستند که می‌توان آن را در گروه خشونت‌های نرم نامگذاری کرد.

از طرف دیگر این مقوله برای دسته‌ای دیگر از خانواده‌ها به شیوه‌ای دیگر است، احتمال دارد فقر بر ادامه تحصیل، حتی تحصیل از پایه مانع شده باشد، بعد وسیعی که بر ذهنیت تاثیرگذار است و مسیر را بر آینده‌های

بسیاری تنگ می‌کند، می‌توان گفت فقر مادی که سبب مسدود شدن آگاهی و آموختن دختران و حتی پسران گشته است، در آینده فقر فرهنگی و زیستی برای زنان و مادران در پی خواهد داشت که محتملاً در تربیت

آسیب‌پذیری جامعه پراکنده تر می‌شود که این مشکلات و آسیب‌ها متناسب با پیشرفت زمان تراکم بیشتری به خود می‌گیرد. همانگونه که امروز به خوبی نمایان است، نه تنها تبعیض امروز نسبت به دیروز کمتر

تاثیر محیط و جغرافیا، تاثیر افکار سنتی (مذهب)، تاثیر پیرامون بودن جغرافیا که نقش سپر در ذیل گام‌های مرکز را عهده‌دار است (جهت ایمنی بیشتر) از فاکت‌های محرومیت زن می‌باشند.

نشده بلکه قالب اثرگذاری آن با پیشرفت زمان روبه بهبودی قابل توجهی در حال بلعیدن نمونه‌های متفاوت از محرومیت زایی است. در جامعه ما همگان از مشکلاتی می‌گویند که با خون توسعه ترکیب

فرزندان تاثیرگذار خواهد بود. محرومیت زنان فقط در مقولات بحث شده خلاصه نمی‌شود، انسانی که بر بدن خود اختیار چندانی نداشته باشد یعنی از ریشه و پایه دارای محرومیت است، به مثابه‌ی ملتی دست و پا

دختران در مقاطع گوناگون حتی اگر در حال دانش‌اندوزی هم باشند با موانعی روبرو هستند که می‌توان آن را در گروه خشونت‌های نرم نامگذاری کرد.

بسته می‌ماند که برای رهایی خویش از غل و زنجیر، انقلابی ریشه‌ای و فاقد تضاد و تناقض می‌طلبد که این گستره از تبعیض را فرو نشاند،

شده آن را از تحرک نگاه داشته، اما اندک دیدگاهی وجود دارند که دست روی ریشه‌ی این مشکلات گذاشته باشد.

ریشه مشکلات زن W بیشترین اثرپذیری و ضربه از ذهنیت مردسالار پذیرا شده که قسمتی از فلاکت حاصله متوجه این ذهنیت هم گشته است، اما در اصل کل فلاکت متوجه خود زن گشته، از همین روی در حقیقت در محاصره برای زیستن قرار گرفته است. محاصره ای که تحت نام محرومیت هویتی طویل و عریض بر خود گرفته است.

ریشه مشکلات زن W بیشترین اثرپذیری و ضربه از ذهنیت مردسالار پذیرا شده که قسمتی از فلاکت حاصله متوجه این ذهنیت هم گشته است، اما در اصل کل فلاکت متوجه خود زن گشته، از همین روی در حقیقت در محاصره برای زیستن قرار گرفته است. محاصره ای که تحت نام محرومیت هویتی طویل و عریض بر خود گرفته است.

غیر از این وعده و وعید چند اختیار ابتدایی بر بدن و زندگی به زنان و دختران از سوی حاکمیت مطلق خانواده، دولت و جامعه بسان دهن کجی به مطالبات به حق زنان است که فقط شیوه و طراحی تبعیض را رفرمیسته و معاوضه می‌نماید. اما سیل تبعیض علیه زنان با چند روپوش گذاشتن روی سرمشأ



فرضیه سقوط آنی رژیم!!



اعتراضات گسترش یافت و بسیاری از شهرها را در بر گرفت. همچنان که مارکس می‌گفت کارگران هیچ چیزی غیر از زنجیری که بر دستشان است برای از دست دادن ندارند، امروز هم در ایران بسیاری مردمانی که هیچ چیز را برای از دست دادن ندارند، و رژیم با زور و سرکوب خود را نگه داشته، این فرضیه نیز مطرح است که دیگر رژیم نمی‌تواند این مردم را کنترل کند. در چنین شرایطی دیگر هیچ یک از آن دست از فاکتورهای که به آن اشاره کردیم، اهمیت نداشته و هر آنچه که بخواهد مانع موج عظیم مردم شود، از بین می‌رود.

بیفتد در آینده دور خواهد بود. آن دست از مفسران که از تنوری ماندگاری یا تداوم رژیم دفاع می‌کنند، دو دسته هستند، عده‌ای به عنوان بخشی از جنگ نرم رژیم با هدف اشاعه ناامیدی این کار را انجام می‌دهند که باید مورد توجه قرار نگیرند و برخی دیگر نیز رو به این تبلیغات کرده‌اند که گویا تا قیام مردمی و سرنگونی این رژیم هنوز خیلی فاصله داریم. با احترامی که به همه آن دست از تحلیل‌های که مبنای علمی دارند و

البرزو روینتن

برعکس ده سال پیش امروزه، در دهه پنجم حاکمیت جمهوری اسلامی، دیگر بحث بر سر نبود اعتراضات عمومی علیه رژیم نیست، بلکه مسئله این است چرا با وجود اشاعه اعتراضات تا به امروز رژیم همچنان پا برجا و ساقط نشده، به مانشت و موضوع اصلی اکثر تحلیل‌ها و نوشته‌های

نبود اپوزیسیونی کارآمد و دارای برنامه‌ای جدی، نبود هماهنگی در میان مردم، ترس مردم از آینده و تکرار نشدن تجربه گذشته، توانایی رژیم در سرکوب و کنترل اعتراضات، این‌ها می‌توانند برخی از دلایلی باشند که از دیدگاه‌های متفاوت مطرح هستند.

بدون شک در چنین وضعیتی هرج و مرج و حتی بسیاری از خسارات دیگر که احتمال دارد اتفاق بیفتد، موجود است. این نیز محتمل است که برخی از نیروهای فرصت طلب که به دنبال فرصتی برای تصاحب قدرت هستند سوار بر موج شده و تلاش کنند تا بلکه دیکتاتوری دیگر بنا نهند که نتیجه آن بازگشت به نقطه صفر است. اما آن نگرش که معتقد است با

بسیاری از جوانب را مدنظر قرار می‌دهند، نباید فراموش کنیم که علوم اجتماعی و همه مسائلی که به جامعه مربوط هستند، آینده همچنان که پیش بینی می‌شود، رقم نمی‌خورد. برعکس همه تحلیل‌های که معتقدند که رژیم به دلیل نبود جریانی انقلابی و الزامات یک انقلاب همچنان درصدر قدرت خواهد ماند، فرضیات دیگری نیز وجود دارند که احتمال وقوع‌شان کم است، اما نباید

عده‌ای به عنوان بخشی از جنگ نرم رژیم با هدف اشاعه ناامیدی از تئوری ماندگاری رژیم دفاع می‌کنند که باید مورد توجه قرار نگیرند و برخی دیگر نیز رو به این تبلیغات کرده‌اند که گویا تا قیام مردمی و سرنگونی این رژیم هنوز خیلی فاصله داریم.

ماندگاری رژیم وضعیت مدام بد و بدتر می‌شود گسترده‌تر است. برای همین است که نباید این فرضیه که رژیم به صورت آنی فروپاشد را نادیده گرفت. بعضی مواقع یک اتفاق همچون بازی دومینو که از اتفاقی کوچک شروع و مدام بزرگ و بزرگ‌تر شود، می‌تواند منجر به سرنگونی رژیم شود.

نادیده گرفته شوند. یکی از آن دست فرضیات، سرنگونی آنی رژیم در پی گسترش آنی اعتراضات مردم است. در حال حاضر زندگی در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم ایران به مثابه دوزخی بیش نیست که لبریز از تراژدی، اکثریتی که روز به روز بیشتر و بیشتر می‌شوند، در آخرین اعتراضاتی که به بهانه

سرنگونی رژیم یا به پایان رسیدن عمر رژیم از سوی شماری از تحلیلگران مطرح نمی‌شود، حتی اگر موضوع سرنگونی رژیم نیز مطرح باشد، وجود این سوال که چرا با وجود این همه بحران رژیم ایران تاکنون پابرجا است مسئله مردم و سیاسیون است.

یکی از آن دست فرضیات، سرنگونی آنی رژیم در پی گسترش آنی اعتراضات مردم است.

این فرضیه که در پی اشاعه اعتراضات و سراسری شدن آن، رژیم ساقط شود برای اپوزیسیون و به ویژه نیروهای کورد دارای اهمیت است، از سویی موجب می‌شود که کوردها خود را برای هر احتمالی آماده کنند تا بتوانند در زمان لازم کنترل را در دست گرفته و مسیر اتفاقات را آن طور که در راستای منافع مردم است، هدایت کنند. از سوی دیگر همیشه این مسئله مطرح است که رژیم ایران اپوزیسیونی کارآمد و متحد ندارد، که این طورآمدگی نیروهای اپوزیسیون می‌تواند هم این خلاء را پر کند و هم روحیه مبارزاتی مردم را نیز تقویت و در زمان مناسب به آن‌ها جهت بدهد.

گران شدن کالاها و مایحتاج اصلی مردم تجلی پیدا کرد و به اعتراضات گرسنگان شهره شد، واضح آن را می‌بینیم. این نوع اعتراضات که مدام و با بهانه‌های متفاوت برپا می‌شوند، اگر تداوم داشته باشند صفوف معترضان بیشتر می‌شود، این واقعیت از اسناد محرمانه‌ای که بیرون درز می‌کنند و همچنین از آمار معترضان پیدا است. با وجود این که رژیم توانسته است اعتراضات را به صورت مقطعی کنترل کند، اما نتوانسته کاملاً آن را در دست بگیرد، یا مانع از گسترش آن شود، در حادثه متروپل عبادان نیز با وجود تقلای زیاد رژیم، اما خیلی زود

تحلیلگران سیاسی چندین توجیه علمی را برای در قدرت ماندن رژیم ایران مطرح می‌کنند، یکی نبود اپوزیسیونی کارآمد و دارای برنامه‌ای جدی، نبود هماهنگی در میان مردم، ترس مردم از آینده و تکرار نشدن تجربه گذشته، توانایی رژیم در سرکوب و کنترل اعتراضات، این‌ها می‌توانند برخی از دلایلی باشند که از دیدگاه‌های متفاوت مطرح هستند. علل مطرحه و واقعیت و وضعیت جمهوری اسلامی برخی از تحلیلگران را بر این می‌دارد که بگویند در ایران انقلابی رخ نخواهد داد یا اگر هم اتفاق

متروپل آغازی برای یک ابربحران دیگر



اگری اسماعیل نژاد

را به عنوان چهره‌های ضد فساد به جامعه معرفی کند. در این مورد بازی درون رژی‌بی نقش مهمی داشت، همانطور که شاهد آن بودیم در انتخابات ۱۴۰۰ دو جناح رژیم تنها در تلاش آن بودند که خود را

اسلامی به امر اقتصاد نگاه غنائی است بدین مفهوم که عوامل جمهوری اسلامی در قبال رفتار و اعمالشان که در راستای استحکام جمهوری اسلامی باشد، سهمیه اقتصادی می‌گیرند.

ب: رانتهای که از حاصل دور زدن تحریم‌های ایجاد می‌شود. بر این اساس رانته‌ها به دو طیف مشخص داده می‌شود، گروه‌های مذهبی به عنوان نگهدارندگان بخش ایدئولوژیک رژیم و

رابطه‌ای با رژیم نداشته باشند، اما چون کلیت ساختار در بی‌قانونی، تبعیض و رانت غرق شده است، افرادی این ضعف رژیم را به فرصتی برای خود تلقی می‌کنند و دست به انواع فساد می‌زنند.

طبقه ۱۰ طبقه را ساخته است و در ساخت این ۱۰ طبقه حداکثر فساد را هم انجام داده است. پس هم فساد قانونی رخ داده هم فساد غیرقانونی رخ داده است. در واقع سقوط متروپل همزمان سه

متروپل از دو واقعیت پرده برداشت؛ واقعیت اول فساد ساختاری و واقعیت دوم این بود که جمهوری اسلامی تمامی عرصه‌های جامعه را اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تسخیر کرده و به هیچ گروه و جریان و حتی فردی خارج از وابستگان خود اجازه حضور در هیچ عرضه‌ای را نمی‌دهد.

چهره ضد فسادتر معرفی کنند. البته فساد در رژیم‌های توتالیتر و دیکتاتور امری الزامی است، بدین

پس در حاکمیت جمهوری اسلامی ما با ساختاری فساد دو لایه‌ای روبرو هستیم: یک: فسادهای

گروه‌های امنیتی به عنوان افرادی که توانایی آن را دارند خارج از نظارت‌های تحریمی اعمال شده،

گمانی در این نیست که هر دو نوع فساد بر همدیگر اثر هم‌افزایی دارند، اما بخش اصلی فساد

سقوط دیگر را نیز همراه داشت: یک: چهره‌های ضدفسادی که جمهوری اسلامی در تلاش بود آن را به جامعه بقبولاند، از بین رفتند.

دو: ابعاد فساد قانونی برای افکار عمومی ایران آشکار شده است. سه: بازی دیگر عدم توانایی جمهوری اسلامی را در مدیریت بحران ثابت کرد، چون در حادثه متروپل در واقع رژیم تنها صبر کرد تا تمامی افراد زیرآوار فوت کردند و حتی یک نفر زنده از زیر آوارها در نیامد.

باتوجه به اینکه افکار عمومی تقریباً تمامی اخبار جمهوری اسلامی را در مورد متروپل در حاله‌ای از بی‌باوری قرار داد و بر پایه بی‌اشرفی چهره‌های دورغین ضدفساد باید گفت که بعد از متروپل فساد قانونی یکی از ابربحران‌های است که جمهوری



دلیل که حاکمیت از مشروعیت اجتماعی برخوردار نیست و اتکاش بر پایه ساختار سرکوبش است، پس

قانونی این بخش از فساد خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

تحریم‌ها را دور می‌زنند. دو: فساد غیرقانونی این نوع فساد خارج از چهارچوب

مربوط به فساد قانونی می‌شود، و متروپل در واقع در وهله اول یک فساد قانونی بود، بدین معنی که

بعد از متروپل فساد قانونی یکی از ابربحران‌های است که جمهوری اسلامی در برابر مردم ایران با آن روبرو است و قطعاً مسئله بر موضوع حکومترانی تأثیری چند بعدی و عمیق دارد.

در اینجا ساختار سرکوب در درون حاکمیت در واقع سگان نگهدارنده هستند که هزینه نگهدارندگیشان را از طریق فساد کسب می‌کنند. جدا از این مسئله نگاه جمهوری

آ: رانتهای متفاوت که شامل افراد وابسته به جمهوری اسلامی می‌شوند، رانته‌ها را در دو بخش می‌توان تقسیم کرد رانت اطلاعاتی و رانت انحصاری

منافع حکومتی انجام می‌شود، بدین مفهوم که مفسدان الزاماً در راستای منافع رژیم عمل نمی‌کنند، یا شاید از لحاظ ایدئولوژیکی و سیاسی هم حتی

حسین عبدالباقی در یک سازوکار رانته‌ی توانسته است، مجوز ساخت یک بازار ۶ طبقه را کسب کند، همزمان با آن در چهارچوب فساد غیرقانونی فرد مذکور بجای ۶

اسلامی در برابر مردم ایران با آن روبرو است و قطعاً مسئله بر موضوع حکومترانی تأثیری چند بعدی و عمیق دارد.

سقوط متروپل را می‌تواند اعلام عمومی فساد ساختاری در جمهوری اسلامی نامید، در جریان سقوط متروپل افکار عمومی جامعه توانست خارج از جنگ روانی که جمهوری اسلامی آن را علیه مردم ایران طراحی و اجراء می‌کند، فساد نهادینه شده را به وضوح ببینند، چون بخشی از متروپل مرگ تراژدی بیشتر از ۴۳ شهروند آبادانی بود، اما بخش اصلی آن فساد نهادینه‌ای بود که پرده آن پس از سقوط متروپل برافتاد و همگان دیدند که جمهوری اسلامی کاملاً سازمان یافته عوامل خود را تحت عنوان نخبه، کار آفرین و... به ثروت‌ها افسانه‌ای رسانده‌اند است.

متروپل از دو واقعیت پرده برداشت؛ واقعیت اول فساد ساختاری و واقعیت دوم این بود که جمهوری اسلامی تمامی عرصه‌های جامعه را اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تسخیر کرده و به هیچ گروه و جریان و حتی فردی خارج از وابستگان خود اجازه حضور در هیچ عرضه‌ای را نمی‌دهد.

مطرح شدن رسمی فساد در ساختار حکومت جمهوری اسلامی تقریباً به سال ۱۳۹۷ برمی‌گردد، در آن سال دستگاه قضایی جمهوری اسلامی بصورت رسمی از فسادها گسترده در حکومت بحث می‌کرد و افراد و باندهای را هم به عنوان مفساد دستگیر کرد، اما در تمامی چهار سال گذشته دو مسئله مطرح بوده:

یک: جمهوری اسلامی در تلاش بود فساد ساختاری موجود در کلیت رژیم را به یک فساد فردی و موردی کاهش سطح دهد. دو: همزمان با مطرح شدن فساد در درون جمهوری اسلامی جنگ روانی علیه مردم ایران توسط حاکمیت به اجراء درآمد که در آن تلاش می‌کرد ضمن لاپوشانی از فساد نهادینه کس یا کسانی

نمایی از نقص حقوق بشر در کوردستان با استناد بر آژانس خبرسانی کوردستان (کردپا)

اعتصاب غذای مسئول انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی در حمایت از اسکندر لطفی



محمد رمضانزاده، مسئول انجمن صنفی فرهنگیان خراسان شمالی در حمایت از معلمان زندانی و در همراهی با اسکندر لطفی، عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان و سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان ایران اعلام اعتصاب غذای تر کرد. وواسکندر لطفی، عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان در اعتراض به تداوم بازداشت غیرقانونی و تحت فشار قرار دادن وی برای اخذ اعترافات اجباری در پنجمین روز از اعتصاب غذای خشک به سر می‌برد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در نامه‌ای به آموزش بین‌الملل اعلام کرده است: وضعیت سلامتی اسکندر پیش از این تصمیم مصمم برای اعتصاب غذای خشک، بسیار وخیم بود و در این مرحله جان اسکندر به طور جدی در خطر است و دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران مسئول سلامت و جان اسکندر است. روز پنجشنبه دوازدهم خردادماه نیز، شماری از فعالان صنفی معلمان در اعتراض به بازداشت و زندانی کردن معلمان و پرونده‌سازی علیه آنان و در همراهی با اعتصاب غذای اسکندر لطفی دست به اعتصاب غذا زدند.

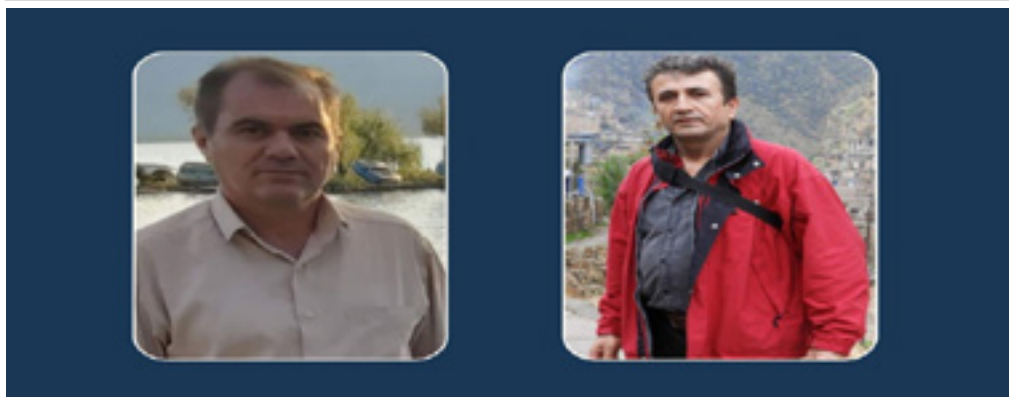
شماری از فعالان صنفی معلمان در همبستگی با اسکندر لطفی دست به اعتصاب غذا زدند



امروز پنجشنبه دوازدهم خردادماه، شماری از فعالان صنفی معلمان در اعتراض به بازداشت و زندانی کردن معلمان و پرونده‌سازی علیه آنان و در همراهی با اعتصاب غذای اسکندر لطفی، سخنگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران دست به اعتصاب غذا زدند. این فعالان صنفی معلمان در منزل دست به اعتصاب غذای تر زدند و اعلام کردند تا تعیین تکلیف شدن وضعیت اسکندر لطفی به اعتصاب غذا ادامه خواهند داد. روز دوشنبه نهم خردادماه، اسکندر لطفی، عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان در اعتراض به تداوم بازداشت غیرقانونی و تحت فشار قرار دادن وی برای اخذ اعترافات اجباری دست به اعتصاب غذای خشک زد. نیروهای امنیتی اسکندر لطفی را تحت فشار قرار دادند که به ارتباط با دو شهروند فرانسوی بازداشت شده توسط وزارت اطلاعات اعتراف کند. اسامی فعالان صنفی اعتصاب کننده:

محسن عمرانی / بوشهر _ محمدرضا رمضانزاده / خراسان شمالی
عزیز قاسم زاده / گیلان _ طاهر قادر زاده / کردستان _ عبدالله رضایی / هرسین _ رضا مسلمی / همدان
امانج امینی / کردستان _ مرتضی الیاسی / لرستان _ پروین اسفندیاری / تهران _ اصغر حاجب / بوشهر
خان عزیز اسماعیلی / اسلام آباد غرب _ یعقوب یزدانی / خراسان شمالی _ اردشیر صیادی / بوشهر
وحید میرشکار / تهران _ ولی میرزا سیدی / تهران _ پروین سلیمی / تهران _ مرضیه طلائی / کردستان
شهرزاد قدیری / تهران _ مهدی فتحی / پاسارگاد _ محمود ملاکی / بوشهر _ احمد قادری / کردستان
زینب سپهری / تهران _ صلاح آزادی / کردستان _ محمد حسن پوره / تهران _ معصومه دهقان / تهران
فرزانه داودپور / کرج _ فرامرز خدانشناس / تهران _ شهریار نادری / کرمانشاه _ محبوبه فرحزادی / تهران

انتقال شعبان محمدی و مسعود نیکخواه به بند امنیتی زندان اوین



شعبان محمدی و مسعود نیکخواه از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان از بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج به بند امنیتی زندان اوین منتقل شدند. به گفته یک منبع مطلع، شامگاه روز شنبه چهاردهم خردادماه، این دو فعال صنفی معلمان طی تماس تلفنی با خانواده‌هایشان اعلام کردند که از بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج به بند امنیتی زندان اوین منتقل شدند. این منبع مطلع افزود: نیروهای امنیتی مسعود نیکخواه را وادار کرده‌اند که با زبان فارسی با همسرش صحبت کند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در واکنش به خبر انتقال این دو فعال صنفی معلمان به بند امنیتی زندان اوین اعلام کرده است که "این انتقال در راستای پروژه سازی‌های کذابی صدا و سیما و سناریو سازی‌هایی است که جامعه معلمان مراتب اعتراض خود را به آن ابراز داشته‌اند." بامداد روز یکشنبه یازدهم اردیبهشت‌ماه، اسکندر لطفی، شعبان محمدی و مسعود نیکخواه از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و بعد از ظهر همان روز شعبان محمدی آزاد شده بود. اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه پس از بازداشت توسط اطلاعات سپاه جهت بازجویی به بازداشتگاه این نهاد امنیتی در سنندج منتقل شده بودند. مسعود نیکخواه روز چهارشنبه بیست و یکم اردیبهشت‌ماه با تودیع قرار کفالت از زندان مریوان آزاد و بامداد روز پنجشنبه بیست و دوم اردیبهشت‌ماه دوباره از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد. شعبان محمدی روز چهارشنبه بیست و یکم اردیبهشت‌ماه هنگام خروج از منزل و در میدان "باوه ره‌شی" مریوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. همچنین روز یکشنبه دهم بهمن‌ماه ۱۴۰۰، آقای محمدی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و روز پنجشنبه پنجم اسفندماه همان سال با تودیع قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی به شیوه موقت تا پایان مراحل دادرسی از زندان مریوان آزاد شده بود. این دو فعال صنفی معلمان پس از بازداشت از "دسترسی به وکیل" و "ملاقات با خانواده" محروم بودند.

اداره اطلاعات به خانواده کریمی؛ در صورت عدم همکاری مجید کریمی، او را آزاد نخواهیم کرد



اداره اطلاعات سنندج به خانواده مجید کریمی، فعال صنفی معلمان و عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - سنندج و کلاترزان اعلام کرده است که در صورت عدم همکاری آقای کریمی، او را آزاد نخواهند کرد. اداره اطلاعات سنندج همچنین به خانواده کریمی گفته است؛ اگر هرآنچه که آنها می‌گویند و مجید کریمی اعتراف نکند، او همچنان در بازداشت این نهاد امنیتی خواهد ماند. شاهد علوی، روزنامه‌نگار کورد در این رابطه در صفحه توئیتر خود از تماس تلفنی کوتاه مجید کریمی با خانواده‌اش خبر داده است که به گفته خانواده‌اش، صدای مجید کریمی بسیار ضعیف بوده و خانواده نگران جان فرزندشان هستند. روز سه‌شنبه دهم خردادماه، مجید کریمی، عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - سنندج و کلاترزان از سوی نیروهای لباس شخصی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد. این فعال صنفی معلمان به همراه شماری از معلمان سنندج برای پیگیری وضعیت مسعود فرهیخته به جلو اطلاعات سپاه رفته بودند که توسط چند نفر لباس شخصی با یک پژو سفید بازداشت و ربوده شد. روز سه‌شنبه دهم خردادماه، معلمان تجمع اعتراضی را در مقابل اداره آموزش و پرورش سنندج برگزار و خواستار آزادی معلمان زندانی و تحقق مطالباتشان شدند. معلمان در این تجمع به بازداشت مسعود نیکخواه، اسکندر لطفی و شعبان محمدی از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان - مریوان اعتراض و با سر دادن شعار "معلم زندانی آزاد باید گردد" خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط معلمان زندانی شدند. همچنین بیانیه‌ی پایانی تجمع اعتراضی معلمان توسط مجید کریمی در حمایت از معلمان زندانی شعبان محمدی، مسعود نیکخواه و اسکندر لطفی قرائت شد.